

به نام خدا

بیهوشی مستمر و مباحث حقوقی پیرامون آن

مؤلف:

هادی تقی‌زاده

سرشناسه : تقی‌زاده، هادی، ۱۳۶۵-
 عنوان و نام پدیدآور : بیهوشی مستمر و مباحث حقوقی پیرامون آن
 مشخصات نشر : تهران : هوشمند تدبیر، ۱۳۹۴
 مشخصات ظاهری : ۱۶۴ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۷۹-۳۹-۹
 وضعیت فهرست نویسی : قیای محصر
 پدیداشت : فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی <http://opac.nlii.ir> قابل دسترسی است
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۱۸۳۹۳

عنوان کتاب : بیهوشی مستمر و مباحث حقوقی پیرامون آن
 تألیف و گردآوری : هادی تقی‌زاده
 ناشر : هوشمند تدبیر
 همکار ناشر : مؤسسه پارسا مبتکر گام اول
 مدیر مسئول : محمد قجر
 مدیر اجرایی : محمد صدیق سپهری نیا
 صفحه‌آرا : مصطفی حسن‌نژاد
 طراح جلد : مصطفی حسن‌نژاد
 سال و نوبت چاپ : ۱۳۹۴ / اول
 شمارگان : ۱۰۰۰
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۷۹-۳۹-۹
 قیمت : ۱۱۵۰۰۰ ریال
 آدرس : میدان انقلاب، ضلع شمال غرب میدان، جنب بانک رفاه، پلاک ۵۹، طبقه ۲، واحد شرقی
 تلفن : ۰۲۱-۶۶۵۶۲۰۴۴-۶۶۵۶۲۶۳۹
 وب سایت : www.parsamega.ir

فهرست

۹ مقدمه:
۱۳ فصل اول: شناخت بیهوشی مستمر
۱۵ مبحث اول: مغز انسان و تفکر
۱۵ گفتار اول: فیزیولوژی مغز انسان و وظایف اجزای آن
۱۵ بند اول: تشریح مغز انسان
۱۶ بند دوم: وظایف اجزای مغز
۱۸ گفتار دوم: مغز انسان و تولید فکر
۱۸ بند اول: ماهیت تفکر
۱۹ ۱- اهمیت تفکر
۲۰ ۲- بررسی فیزیولوژیک مسئله تفکر
۲۲ ۳- الگوهای تفکر در علم شناخت
۲۷ بند دوم: اهمیت تفکر در حقوق خصوصی
۲۹ مبحث دوم: مقایسه حالت های مشابه با بیهوشی مستمر
۳۰ گفتار اول: مرگ
۳۰ بند اول: تعریف مرگ
۳۲ بند دوم: ملاک تشخیص مرگ و حکم شک در آن
۳۲ الف: ملاک تشخیص در پزشکی
۳۳ ب: ملاک تشخیص در فقه
۳۶ ج: ملاک شرعی تشخیص مصادیق مرگ
۴۱ گفتار دوم: مرگ مغزی
۴۱ بند اول: پیشینه و تعریف مرگ مغزی
۴۲ بند دوم: مرگ مغزی از منظر پزشکی
۴۹ بند سوم: آثار حقوقی فقهی مرگ مغزی
۵۰ الف: وضعیت حیات فرد مبتلا به مرگ مغزی در فقه و حقوق
۵۰ نظریه اول: فرد مبتلا به مرگ مغزی دارای حیات مستقر است

- ۵۲..... نظریه دوم: افراد در حال مرگ مغزی مرده محسوب می‌شوند.
- ۵۵..... نظریه سوم: فرد مبتلا به مرگ مغزی دارای حیات غیر مستقر می‌باشد.
- ۵۹..... ب: موضع قوانین موضوعه در خصوص حیات فرد مبتلا به مرگ مغزی.
- ۶۲..... گفتار سوم: بیهوشی
- ۶۴..... مبحث سوم: تعریف بیهوشی مستمر و مقایسه آن با حالات مشابه.
- ۶۵..... گفتار اول: بیهوشی مستمر چیست؟
- ۶۸..... گفتار دوم: مقایسه بیهوشی مستمر با حالات مشابه
- ۶۸..... بند اول: تطبیق بیهوشی مستمر با مرگ مغزی
- ۷۰..... بند دوم: تمایزات مرگ با بیهوشی مستمر
- ۷۰..... بند سوم: تمایز بیهوشی مستمر و بیهوشی عمومی
- ۷۳..... فصل دوم: حمایت قانونی از حقوق افراد در حال بیهوشی مستمر
- ۷۶..... مبحث اول: اهلیت فرد در حال بیهوشی مستمر
- ۷۶..... گفتار اول: اهلیت و اقسام آن
- ۷۸..... الف: اهلیت تمتع
- ۷۹..... ب: اهلیت استیفاء
- ۸۲..... گفتار دوم: بررسی اهلیت فرد در حال بیهوشی مستمر
- ۸۲..... بند اول: اهلیت تمتع در فرد در حال بیهوشی مستمر
- ۸۳..... بند دوم: بررسی اهلیت استیفاء فرد در حال بیهوشی مستمر
- ۸۹..... مبحث دوم: حمایت خاص قانون از افراد در نظام حقوقی ایران
- ۹۰..... گفتار اول: بررسی وضعیت حمایتی افراد محجور
- ۹۰..... بند اول: مفهوم حجر
- ۹۲..... بند دوم: اسباب حجر و نحوه حمایت قانونگذار
- ۹۷..... الف: صغار
- ۱۰۰..... ب: افراد غیر رشید
- ۱۰۳..... بند سوم: مجانین
- ۱۰۶..... گفتار دوم: بررسی حمایت قانون از افراد غیر محجور در شرایط خاص
- ۱۰۷..... بند اول: حمایت از اموال متعلق به جنین

- بند دوم: افراد ناتوان در اداره امور مالی ۱۰۸
- بند سوم: حمایت از غایب مفقودالامر ۱۱۰
- بند چهارم: اقدامات حمایتی راجع به ترکه متوفی ۱۱۲
- مبحث سوم: نقش حمایتی قانونگذار در مورد افراد در حال بیهوشی مستمر ۱۱۴
- گفتار اول: حمایت از افراد بیمار در حقوق سایر کشورها ۱۱۴
- گفتار دوم: بررسی حمایت قانونی از افراد در حال بیهوشی مستمر در قوانین و رویه قضایی ۱۱۷
- بند اول: مقایسه حالات مورد حمایت قانون با حالت فرد در حال بیهوشی مستمر و شیوه های احتمالی حمایت از این افراد ۱۱۷
- الف: مقایسه افراد در حال بیهوشی مستمر با محجورین ۱۱۷
- ب: مقایسه فرد در حال بیهوشی مستمر با افراد غیر محجور مورد حمایت قانون ۱۱۸
- بند دوم: حمایت از شخص در حال بیهوشی مستمر در قوانین و رویه قضایی و تحلیل آن ۱۲۳
- فصل سوم: آثار حقوقی بیهوشی مستمر** ۱۳۱
- مبحث اول: تاثیر بروز حالت بیهوشی مستمر بر اعمال حقوقی فرد ۱۳۳
- گفتار اول: اثر بیهوشی مستمر بر عقود ادنی ۱۳۵
- گفتار دوم: اثر بیهوشی مستمر بر وصیت ۱۴۰
- مبحث دوم: اثر بیهوشی مستمر بر روابط خانوادگی فرد در حال بیهوشی مستمر ۱۴۲
- گفتار اول: آثار بیهوشی مستمر بر روابط ناشی از زوجیت ۱۴۳
- بند اول: فسخ نکاح فرد در حال بیهوشی مستمر ۱۴۳
- بند دوم: طلاق همسر فرد در حال بیهوشی مستمر ۱۴۴
- بند سوم: روابط مالی زوجه شخص در حال بیهوشی مستمر ۱۵۱
- گفتار دوم: آثار بیهوشی مستمر نسبت به ولایت ۱۵۱
- بند اول: ولایت بر فرد در حال بیهوشی مستمر ۱۵۲
- بند دوم: ولایت فرد در حال بیهوشی مستمر ۱۵۳
- منابع و مآخذ: ۱۵۵

مقدمه:

خداوند متعال در نهاد انسانها گرایش به زندگی جمعی را قرار داده است. به دلیل همین گرایش است که انسانها از همان ابتدای خلقت جوامع بشری را تشکیل داده‌اند، که تشکیل این جوامع بدنال خود روابط بین اعضای آنها فراهم نمود. برای تداوم این روابط ضرورت داشت که به حقوق یکدیگر احترام گذارده و در جهت تخلف از آن ضمانت اجرایی تعیین گردد. در چنین شرایطی ضرورت وضع مقرراتی محدود کننده احساس می‌گشت، بدین شکل که افراد جهت استمرار زندگی اجتماعی، که بقای نوع بشر نیازمند آن بود از برخی از آزادی‌های خود صرف نظر نمایند. و بدین ترتیب ریشه‌های پیدایش حقوق محرز می‌گردد. اما در سایر موجودات این سیر متعالی پدیدار نشده است و علت آن نیز عدم وجود قدرت تفکر در آنها بود، موهبتی که خداوند به شکل خاص برای نوع بشریت در نظر گرفت تا او را خلیفه خود در روی زمین قرار دهد.^۱ لذا خاستگاه این موهبت، یعنی مغز انسان را متفاوت از سایر موجودات نمود و به نسبت حجم جسم، بیشترین مقدار حجم مغز را برای انسانها در نظر گرفتند. انسانها با استمداد از موهبت الهی تفکر، در جامعه مدنی به اعمال حقوق خود می‌پردازند و مانع از آن می‌شوند تا سایرین حقوق متعلق به آنها را تضییع نماید. در این راه قوای حاکمه نیز وی را یاری می‌نمایند تا متجاوزین را از تجاوز به حقوق دیگران باز دارد و در صورت لزوم به جزای اعمالشان بپردازند.

اما برخی از افراد جامعه قادر نیستند، از حقوق خود دفاع نمایند و علت این امر نیز عدم قدرت تفکر و فقدان معیاری برای سنجش خوب از بد می‌باشد این افراد در شرایطی بسر می‌برند که به سادگی حقوق آنها تضییع می‌گردد، لذا قوای حاکمه با وضع قوانین حمایتی از این دست افراد حمایت می‌نمایند تا بتوانند گامی در جهت تحقق عدالت بر دارند. از جمله این افراد محجورین و یا افرادی هستند که توانایی اداره اموال خود را ندارند، و قانونگذار به نحوی شایسته از آنها حمایت نموده و متعاقباً به این مباحث می‌پردازیم. اما با اظهار تاسف باید گفت که در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران از تمام افراد نیازمند حمایت قانونی، حمایت به

^۱ «یا داؤد اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي اَرْضِنَا فَاخْتَمِمْ نَبِيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَ لَا تَتَّبِعِ الْهَوٰى فَيُضَلِّكَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اِنَّ الَّذِيْنَ يَتَّبِعُوْنَ عَوْنِ سَبِيْلِ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ يَّمَسُوْنَ يَوْمَ الْحِسَابِ» آیه ۲۶ سوره بقره.

عمل نیامده است و قانونگذار نسبت برخی از افراد نیازمند حمایت سکوت نموده است. آنچه که ما در این کتاب به بررسی آن می‌پردازیم بررسی وضعیت حقوقی افرادی است که شکی در نیازمند حمایت بودن آنها نیست، اما قانونی در این خصوص وجود ندارد و آنها افرادی هستند که در حال بیهوشی مستمر به سر می‌برند. لذا ضرورت دارد تا بدو بتوانیم بیهوشی مستمر را از سایر حالات مشابه باز شناسیم.

در این خصوص ممکن است این شبهه به ذهن رسد که فرد در حال بیهوشی مستمر، در همان شرایطی قرار دارد که افراد دچار مرگ مغزی در آن حال بسر می‌برند و حتی ممکن است آنها را افراد مرده بدانیم که دیگر قادر به ادامه حیات نیستند. همچنین ممکن است این سؤال به ذهن رسد که چه تفاوتی بین افرادی که در بیهوشی عمومی بسر می‌برند با افرادی که در حالت بیهوشی مستمر قرار دارند وجود دارد و چگونه این دو نوع از افراد بیهوش از یکدیگر تمییز داده می‌شوند؟ بنابراین ضرورت دارد این حالات بررسی گردد.

بیشتر بیان شد که در خصوص نحوه حمایت از این افراد در قانون بحثی به میان نیانده است، حال در چنین شرایطی چه باید کرد چگونه می‌توان از حقوق این افراد دفاع نمود؟ با توجه به عدم تعیین نهاد حمایتی از چه نهادی برای حمایت از این افراد، می‌توان استفاده نمود؟ آیا می‌توان برای او قیم تعیین نمود و یا نصب امین گردد؟ همچنین ممکن است به ذهن رسد که ورثه وی را می‌توان متکفل امور او دانست. و همچنین این سؤال به ذهن می‌رسد که در رویه قضایی با این مسئله به چه شکلی برخورد می‌گردد؟ اما در مجموع آنچه به وضوح نمایان می‌گردد، آنست که فرد در حال بیهوشی مستمر نیاز به حمایت قانون دارد و در این شرایط با وجود فقدان قانون در عمل به چه شکل از این افراد حمایت می‌گردد؟

بروز حالت بیهوشی مستمر در افراد به هر علتی که باشد ممکن است در وضعیت حقوقی وی اثر بگذارد و از میان اعمال حقوقی فرد آن دسته از اعمال حقوقی که موسوم به عقود اذنی می‌باشد، احتمال تغییر در آن با عارض شدن بیهوشی مستمر بسیار زیاد است، چون شبهه‌ای در این مسئله بوجود می‌آید مبنی بر اینکه، در این حالت اذن که پشتوانه عقود اذنی است، زایل می‌گردد. همچنین در مورد عقد وصیت که معلق به فوت موصی می‌باشد، نیز ممکن است شبهاتی در مورد جاری شدن آثار این عقد در اثر بروز حالت بیهوشی مستمر ایجاد شود.

فرد در حال بیهوشی مستمر در خانواده خود نیز دارای روابطی با سایر اعضای خانواده می‌باشد که در این حالت مباحثی از جمله طلاق زوج یا زوجه فرد در حال بیهوشی مستمر و همچنین امور مالی ناشی از زوجیت، داری این شبهه می‌باشد که چون فرد در حال بیهوشی مستمر است آثار حقوقی این موارد متفاوت از موارد عمومی می‌باشد.

اما نکته دیگری که ممکن است در این بحث به ذهن رسد اینست، آیا بروز حالت بیهوشی مستمر می‌تواند بر ولایتی که فرد بر سایرین دارد یا ولایتی که سایرین بر فرد در حال بیهوشی مستمر داشته است تاثیر گذارد یا خیر؟

بنابراین در راستای بررسی این موارد در فصول آتی به این موارد پرداخته می‌شود لذا در فصل اول به بحث شناخت حالت بیهوشی مستمر و تمیز آن از سایر موارد مشابه پرداخته می‌شود سپس در فصل دوم به بحث ضرورت حمایت از افراد در حال بیهوشی مستمر و اهلیت آنان پرداخته می‌شود. در نهایت فصل سوم به بحث تاثیر بروز بیهوشی مستمر بر برخی از اعمال حقوقی که ذکر شده است می‌پردازیم.